

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دوازدهم، شماره بیست و سوم (بهار و تابستان ۱۴۰۴)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سردبیر:

علی نهانندی

دبیر تحریریه:

محمدجواد نصر آزادانی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمد شیرینکار موحد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

علی فراهانی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعة المصطفی العالمیه)

- علی نهانندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ / دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

چاپ: گله‌ها - قم / قیمت: ۲۰۰ هزار تومان

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)



مؤسسه استادی و بانی علم و فناوری
جهان اسلام (ISC)



Jurisprudential and Legal Study of the Ownership of the Amniotic Membrane

Khadija Afshin¹

Javad Shayanfar²

Abstract

Advances in medical science have enabled humanity today to benefit from new achievements in the field of treating diseases or repairing injuries, in addition to organs, and from human existential objects; however, explaining the legitimacy of buying and selling these objects requires jurisprudential and legal studies. Therefore, the present study, with a descriptive-analytical approach, is an attempt to answer the question of what is the ownership of the amniotic membrane from the perspective of jurisprudence and law? The findings indicate that amniotic fluid, after processing, is effective as a biological wound dressing in eye surgeries, diabetic wounds, burns, skin grafts, etc. Its extract is also used for corneal regeneration and wound healing. Because it has antibacterial, anti-inflammatory, and antiviral properties, it does not cause an immunological reaction in the body and is effective in reducing the patient's pain and the wound healing process. Therefore, the existence of numerous benefits for the intended recipient, the absence of a legal impediment, the absence of inherent or legal obstacles to the use of amniotic fluid, the absence of harm from separating it from the mother and fetus, and most importantly, the tendency of patients and medical professionals, prove the value and economic value of amniotic fluid. Also, its purchase and sale, according to Articles 215 and 348 of the Islamic civil code, explicitly state the value of the transaction, giving it legal validity. In addition, ownership is a subsidiary of property, which after proposing its different assumptions in the present study, it is correct to attach ownership of the amniotic sac to the parents, because the formation of the fetus and its functions are the result of the fertilization of the gamete.

Keywords: Amniotic sac, Property, Benefit, Ownership.

1. PhD and lecturer at Farhangian University; khadigeh.afshin63@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, University of Sistan and Baluchestan; dr.j.shayanfar@gmail.com

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دوازدهم، شماره بیست و سوم (بهار و تابستان ۱۴۰۴)
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

بررسی فقهی و حقوقی مالیت و ملکیت پرده آمیون

خدیجه افشین^۱

جواد شایانفر^۲

چکیده

پیشرفت‌های علم پزشکی این امکان را به بشر امروز داده است تا به دستاوردهای نوینی در عرصه درمان بیماری‌ها یا بهبود آسیب‌های وارده، علاوه بر اعضا از اشیای وجودی انسان نیز بهره ببرد؛ اما تبیین مشروعیت خریدوفروش این اشیاء به مطالعات فقهی و حقوقی نیازمند است؛ بنابراین پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی، تلاشی است جهت پاسخگویی به این سؤال که مالیت و ملکیت پرده آمیون از منظر فقه و حقوق چگونه است؟ یافته‌ها حاکی از آن است که آمیون بعد از فراوری به عنوان پانسمان بیولوژیک زخم در جراحی‌های چشم، زخم‌های دیابتی، سوختگی‌ها، پیوند پوست و... اثربخشی دارد. همچنین از عصاره آن برای بازسازی قرنیه و ترمیم زخم استفاده می‌شود و چون برخوردار از خواص ضدباکتریایی، ضدالتهابی و ضدویروسی است در بدن واکنش ایمنولوژیک ایجاد نمی‌کند و در کاهش درد بیمار و روند بهبود زخم مؤثر است؛ از این رو داشتن منافع محله مقصوده فراوان، عدم ردع شارع، نبود مانع ذاتی یا قانونی استفاده از آمیون و عدم اضرار جداسازی آن از مادر و جنین و مهم‌تر گرایش بیماران و متخصصان حوزه پزشکی، مالیت و ارزش اقتصادی آمیون را اثبات می‌کند. همچنین خریدوفروش آن، مطابق مواد ۲۱۵ و ۳۴۸ ق.م. به صراحت مالیت داشتن مورد معامله را مطرح می‌کنند، وجاهت قانونی می‌دهد. علاوه بر این، ملکیت فرع بر مالیت است که بعد از طرح فروض متفاوت آن در تحقیق پیش رو، الحاق مالکیت آمیون به والدین صحیح می‌باشد؛ زیرا تشکیل جنین و توابع آن، حاصل لقاح گامت می‌باشد. واژگان کلیدی: پرده آمیون، مالیت، منفعت، ملکیت.

۱. دکترای تخصصی و مدرس دانشگاه فرهنگیان؛ khadigeh.afshin63@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ dr.j.shayanfar@gmail.com

مقدمه

پیشرفت‌های علم پزشکی این امکان را برای بشر امروز فراهم آورده است که علاوه بر انتقال عضو از انسان به انسان و نیز حیوان به انسان بتواند در حوزه بیوتکنولوژی و مهندسی بافت نیز به توسعه‌های نوینی در عرصه پیوند بافت‌های انسانی دست یابد. پرده آمنیون یکی از بافت‌های جنینی با ویژگی‌های منحصربه‌فرد بیولوژیکی است که مورد توجه کادر درمان قرار گرفته است. این پرده مصارف پزشکی - درمانی دارد که به عنوان پانسمان بیولوژیک در درمان آسیب‌های چشمی، زخم‌های مزمن و... از کارایی‌های ارزشمندی برخوردار می‌باشد. پژوهش حاضر، آمنیون را از حیث عضو یا پسماند انسانی از زوایای مختلف با محوریت فقهی - حقوقی مورد تدقیق و تنقیح قرار می‌دهد که این امر یکی از وجوه ممیزه تحقیق پیش‌رو به شمار می‌آید و می‌تواند در نوع خود بی‌بدیل باشد و نیز این جستار با تمرکز بر پرده آمنیون به عنوان موضوع مستحدثه که پیشینه‌چندانی در ادبیات فقهی و حقوقی ندارد و با ترکیب دیدگاه‌های فقهی - حقوقی و پزشکی به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها است:

۱. شرایط انطباق مال از جهت فقهی و حقوقی بر پرده آمنیون صدق می‌کند؟
 ۲. مالک یا مالکان پرده آمنیون چه کس و یا کسانی هستند؟
- این نگارش از آن جهت اهمیت دارد که تعیین وضعیت فقهی و حقوقی این بافت انسانی از حیث مال بودن و مالیت داشتن می‌تواند اعمال مربوط به خرید و فروش و یا مصارف درمانی این پرده توسط پژوهش‌گاه‌های پزشکی را مجاز و قانونی بداند.

با بررسی‌های صورت‌گرفته، تحقیقی که مالیت و ملکیت پرده آمنیون را مورد تبیین قرار دهد، مشاهده نشد؛ اما نگارش‌های فاخر مرتبط با این نوشتار عبارت‌اند از:

۱. فلاح ملامحمود، جبرئیل، سلطان احمدی، جلال، شعاریان ستاری، ابراهیم (۱۳۹۹) مالیت داشتن اعضای بدن انسان در راستای ماده ۷۵ منشور حقوق شهروندی و فقه اسلامی در قبال فروش اعضای بدن. حقوق پزشکی، دوره ۱۴ (ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، ۵۳۶ - ۵۲۵)؛ در این مقاله آمده است که هریک از

اعضای بدن انسان عرفاً، قانوناً و شرعاً از جمله اموال، بلکه ارزشمندترین آنها در دنیا است و به دنبال آن ماده ۷۵ منشور حقوق شهروندی نیز حق مالکیت شهروندان را محترم می‌شمارد. این مقاله به مال بودن و مالیت داشتن اعضای بدن انسان می‌پردازد اما وجه تمایز عضو از پسماندهای انسانی و چگونگی انطباق مال و شرایط مالیت را بر زواید انسان مورد بحث قرار نمی‌دهد.

۲. رجایی، فاطمه، محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۵). بررسی فقهی حقوقی مالیت اعضای بدن انسان. فقه پزشکی، ۸ (۲۷ - ۲۶)، ۱۳۷ - ۱۷۳؛ شاخص‌های مالیت اشیا را منوط به منفعت محلله عقلایی، تقاضای مردم و نبود مانع ذاتی و قانونی دانسته‌اند. پژوهش مذکور با تطبیق شرایط مالیت در فقه و قانون، مالیت اعضای بدن انسان را اثبات می‌کند اما به امکان مال بودن و مالیت داشتن برخی فضولات انسانی نپرداخته است.

۳. شفیع‌ی مازندرانی، سید محمد، احمد مرادخانی، مطلبی، معصومه (فروردین ۱۳۹۹). مبانی فقهی و حقوقی مالکیت انسان بر بدن. پژوهش‌های فقهی، ۱۶ (۱)، ۱۹۲ - ۱۷۳؛ یافته‌های پژوهش مالکیت انسان بر بدن خویش را از باب حق تصرف دانسته‌اند که میان کلیه مالکیت‌های (ذاتی، تکوینی و اعتباری) مشترک است اما به امکان مالکیت انسان بر بعضی پسماندهای انسانی اشاره ندارد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. پرده آمیون از منظر علم جنین‌شناسی

یک کیسه غشایی پر از مایع که رویان و سپس جنین را در بر می‌گیرد. (عرفانیان احمدپور، ۱۳۸۱، ص ۷۵) تعریفی دیگر ویژگی‌های آمیون را بر شمرده است: پرده‌ای سفت و سخت با خاصیت انعطاف‌پذیری که داخلی‌ترین پرده جنین و فاقد عروق خونی می‌باشد؛ همچنین این پرده در مجاورت مایع آمیون قرار دارد و وظیفه آن حاملگی موفقیت‌آمیز با برخورداری از استحکام کششی است. نکته جالب توجه اینست که؛ آمیون، سلول‌های اعصاب، مجاری لنفاوی و عروق خونی ندارد. (کانینگهم و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۱۱۰) غشای آمیون شفاف است و ۲/ تا ۵/ ضخامت دارد. لایه داخلی آن نیز از سلول‌های اپی‌تلیالی تشکیل شده است. (رستگار لاری و

دیگران، ۱۳۹۱، ۳۱) داخلی‌ترین و درونی‌ترین غشایی که جنین را دربرگرفته، مشیمه جنین یا کیسه آمنیون یا کیسه آب نامیده می‌شود. (دورلند، ۱۳۸۰، ص ۴۷۰)

۲-۱. پرده آمنیون از منظر قرآن

خداوند در آیه ۶ سوره زمر،^۱ بعد از ذکر «بَطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ» از «ظلمات ثلاث» یاد کرده است که به نظر می‌رسد تعبیر ظلمت در معنای حقیقی، همان تاریکی محض است و در اینجا توجه خداوند به خود نطفه، فارغ از حصارهای دورش می‌باشد؛ همچنین پوشش‌های حفاظتی جنین با اصطلاح «ظلمات ثلاث» یعنی تاریکی‌های سه‌گانه اطراف جنین، تنها یکبار و در همین آیه آمده است. یکی از اجزای ظلمات ثلاث «مشیمه» بر وزن مفعله و جمع آن (مشایم و مشیم) می‌آید. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۳۲) «مشیم» کیسه و پوششی است که جنین در آن قرار می‌گیرد (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۶، صص ۱۰۱ - ۱۰۰) و وظیفه حفاظت از جنین را بر عهده دارد. (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۷۶) و محل قرارگیری کیسه، درون رحم است (شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۰۴) و هنگام تولد و خروج نوزاد این کیسه نیز از رحم خارج می‌شود. (سمرقندی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۸) در همین راستا برخی از مفسران به اسامی پرده‌های جنینی و ویژگی‌های آن به طور دقیق پرداخته‌اند. (مراغی، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۱۴۷ و زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۳، ص ۲۵۱) پرده‌های سه‌گانه جنینی عبارت‌اند از: پرده آمنیونی، پرده کوریونی و پرده دسیدوا. (الحاج احمد، ۱۴۲۴ق، ص ۱۰۹) بنابراین تعبیر قرآنی پرده آمنیون همان ظلمت است و مشیمه مصداقی از ظلمت به حساب می‌آید که مفسران در تفاسیر خود از سه ظلمت نام می‌برند که یکی از آنها «ظلمه المشیمه» است. (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۹؛ طبرسی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۰۹ - ۲۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۶۳؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۳۸۷؛ آلوسی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۲۳۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۱۴؛ قرطبی، ۱۳۸۴ش، ج ۱۵، ص ۲۳۶)

۲-۱. پرده آمنیون از منظر روایات معصومین علیهم‌السلام

معصومان نیز به عنوان شارحان و ناطقان کلام وحی به پرده آمنیون یا مشیمه یا کیسه

۱. «يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمُ اللَّهُ رُبُّكُمْ...» (زمر: ۶)

آب اشاراتی داشته‌اند که از جمله آنها امیرالمومنین علیه السلام در بیان شگفتی‌های آفرینش انسان و در تفسیر «فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْحَامِ» در خطبه ۱۶۳ به «مُضَاعَفَاتِ الْأَسْتَارِ» (سید رضی، بی‌تا، ص ۲۳۳) و در خطبه ۸۳ به «شَغَفِ الْأَسْتَارِ» (سیدرضی، بی‌تا، ص ۱۱۲) تعبیر می‌نماید و نیز امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۶ زمر آوردند: «... فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ظُلْمَةُ الْبَطْنِ وَ ظُلْمَةُ الرَّحِمِ وَ ظُلْمَةُ الْمَشِيمَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۳۶۶ و ۳۷۸) ابتدای تمهید کار جنین در رحم است در حالی که او مستتر در تاریکی‌های سه‌گانه شکم، رحم و مشیمه (کیسه آب) می‌باشد. لذا قبل از اینکه علم پزشکی به معنای عام و علم جنین‌شناسی به معنای خاص به پرده آمیون بپردازد، کلام وحی و عبارات شارحان معصوم این موضوع را تبیین نموده‌اند که پرده آمیون همان کیسه آب یا مشیمه‌ای است که یکی از مصادیق «ظلمات ثلاث» در آیه ششم زمر می‌باشد که عملکردی حفاظتی - امنیتی برای جنین دارد.

۴-۱. ملکیت در لغت

ملکیت در زبان عرب معادل مالکیت مصدر جعلی بوده و گویای چیرگی فرد بر چیزی است که توان تصرف در آن را به گونه‌ای داشته باشد که هیچ‌کس نتواند، مانع او گردد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۹۳؛ مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۱، ص ۲۱۶) گرچه برخی لغت‌شناسان مال و ملک را هم‌معنا گرفته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۸۰؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۷۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۵۱) به نظر می‌رسد، میان مال و ملک تغایر مفهومی و مصداقی وجود دارد؛ بدین صورت که چیزی ممکن است مال باشد ولی ملک نباشد و یا بالعکس. لذا می‌توان ارتباط منطقی میان آن دو را بنابر آنچه برخی قائل هستند مبنی بر عموم و خصوص من وجه دانست. (ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۶۵)

۲. ماهیت پرده آمیون از حیث عضو یا پسماند انسانی از منظر فقه و حقوق

عضو، معنای قطع و جداشدن را می‌رساند. (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۴۳) مضاف بر اینکه عضو، حیات داشته ویژگی انفصال دارد. (العسکری، بی‌تا، ص ۱۵۰) اما به نظر صاحب لسان العرب «عضو» را به قسمت‌هایی از بدن تعریف می‌کند که با پیوستگی

میان آنها بدن تشکیل می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۶۲۳) همچنین علم پزشکی تمامی نسوج هر انسانی را، عضو قلمداد می‌کند؛ زیرا هریک از واحدهای سازنده بدن وظیفه یا وظایف خاصی برعهده دارد. (هانری، ۱۳۳۲ ش، ص ۴) از حیث فقهی مبتنی بر روایات «عضو» با دقت بیشتر و به صورت جزئی‌تر تقسیم شده است: اول: عضو، اندامی است که استخوان نداشته باشد مثل گوش و چشم. دوم: عضو، جزئی برای عضو دیگر نباشد مانند سر. سوم: اینکه عضو، استخوان‌دار بوده حتی اگر جزئی برای دیگری باشد و چهارم: اینکه نبودش با نبود حیات برابری کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۲، ص ۹)

در موازنه میان عضو یا فضله انسانی بودن پرده آمنیون، کفّه پسماند، سنگین‌تر می‌نماید. البته میان آن دو وجوه اشتراک و افتراقی نیز وجود دارد؛ پرده آمنیون از حیث انقطاع از بدن و اینکه نوعی از نسوج است در دایره اعضا جای می‌گیرد؛ اما با توضیحاتی که می‌آید، تلقی عضو بودن آمنیون مورد تردید است. بدین ترتیب که؛ این پرده چون در زمان بارداری و صرفاً جهت حفاظت از جنین در برابر صدمات خارجی از یکسو و جلوگیری از چسبیدن رویان به اطراف محیط شکمی و... در بدن زن شکل می‌گیرد؛ لذا این پرده، جزئی دائمی و مشترک میان همه انسان‌ها فارغ از جنسیت نیست؛ زیرا در مقطعی از زمان و بنا بر شرایط و جهت صیانت از موجود ثالثی پدید می‌آید و وظایف و ثمرات خاصی نیز دارد. به عبارت دیگر شکل‌گیری آمنیون در غیر از زنان باردار، محال است. همچنین وجود این پرده در بدن زن بعد از زایمان به جسم او آسیب وارد می‌کند و این‌طور نیست که نداشتن این پرده برای دیگران نقص به حساب آید و حتی مانند انگشت اضافه (۶ انگشتی) هم نیست.

بنابراین پرده آمنیون برای بدن انسان بما هو انسان و بالذات عضو به شمار نمی‌آید و فضول دانستن این پرده، به واقعیت نزدیک‌تر می‌نماید. در همین راستا از دفتر مراجع عظام، استفتا شد. آیت الله مکارم شیرازی چنین پاسخ دادند که؛ پرده جنینی (آمنیون) نه جز فضولات و نه جز اجزای انسان است. (مکارم شیرازی، ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ ش) و نیز آیت‌الله خامنه‌ای مرقوم فرمودند: «در این مورد، مطلبی از

معظم‌له به دست ما نرسیده است». (شماره استفتا ۹۷۰۶۷۷ - ۱۴/۱۰/۱۴۰۲)

بعید است جزئی از انسان نه در قالب عضو قرار گیرد و نه فضول؛ زیرا اعضای وجودی انسان حتی اجزای معنوی هم در فقه و هم در حقوق دیده شده‌اند و در قبال آسیب وارد کردن یا جنایت شخص ثالث به شنوایی، بینایی حتی بویایی و لامسه؛ قصاص یا دیه پیش‌بینی شده است می‌توان گفت؛ پرده آمیون از جمله فضولات روح‌دار زنان است که در هنگام بارداری تشکیل شده و در زمان وضع حمل با نوزاد خارج می‌شود؛ زیرا حکمت تشکیل این پرده جهت حفظ جنین از صدمه‌های احتمالی وارد بر شکم مادر و نیز عدم چسبندگی جنین به دیواره‌های شکم و تا حدودی تغذیه جنین از مایع آمنیوتیک در کیسه آمیون است. بنابراین، پسماند بودن آمیون علاوه بر هم‌سویی با واقع و صحت غالب مطالب به واقع نزدیک‌تر است؛ زیرا باقی ماندن آمیون اختلال در فیزیولوژی بدن مادر را در پی خواهد داشت.

۳. مصارف و منافع پزشکی - درمانی پرده آمیون

پرده آمیون، بعد از فرآوری در مصارف پزشکی مثلاً: بهبود زخم‌های پای دیابتی استفاده می‌شود؛ زیرا آمیون داربست بیولوژیکی متشکل از انواع کلاژن‌ها، فیبرونکتین، یندوژن، فاکتور رشد فیبروپلاستی، هپاتویست، اپیدرمی و... دارد که همگی در درمان زخم مؤثرند در همین راستا، تحقیقات بالینی پزشکی نشان دادند که استفاده از آمیون در قالب عصاره و پانسمان در درمان زخم پای دیابتی‌ها تأثیر مطلوب و محسوسی داشته است. (عظیمی الموتی و دیگران، ۱۳۹۷ش، ۱۲۸-۱۲۷) همچنین پیوند پرده آمیون در کاهش درد، تخفیف و جلوگیری ایجاد سیمبلفارون سوختگی‌های شیمیایی چشم، مثل اسید و قلیا به تسریع ترمیم زخم‌های اپی‌تلیالی و تحریک تقسیم سلول‌های بنیادی لیمبوس مؤثر می‌باشد. (برادران رفیعی و دیگران، ۱۳۹۲ش، ص ۸۴) و نیز در پژوهشی دیگر از محلول (SAM) غشای آمیون همراه با حامل اسیدهیالورونیک (HA) و هیدروژل (HA-SAM) پانسمانی ساخته شد که علاوه بر درمان زخم با (HA-SAM) پوست بازسازی شده ضخیم‌تر بود؛ بنابراین تأثیر پرده آمیون در درمان و پانسمان زخم تأیید می‌شود. (Murphy & Others, 2017, 2020)

۱۶۱ گرچه بافت‌های مختلفی همچون: مغز استخوان، بندناف، بافت چربی، مایع

آمینون و... سلول‌های بنیادی مزانشیمی دارند؛ اما مهم‌ترین منبع بافتی سلول‌های بنیادی مزانشیمی، پرده آمینون است که قابلیت تکثیر و کارایی بالایی جهت استفاده در مهندسی بافت و سلول درمانی دارد. (زارع و دیگران، ۱۳۹۹ش، ص ۳-۲) از کاربردهای اثربخش آمینون، پیوند آن به چشم اعم از ملتحمه، قرنیه و صلیبه است که چشم را بازسازی می‌کند. (زارع و دیگران، ۱۳۸۲ش، ص ۱۱۸-۱۱۵) نیز پرده آمینون از سلول‌هایی تشکیل شده است که علاوه بر قدرت خودتکثیری، پرتوان هستند و از طریق جداسازی و ایمونوفوتایپینگ سلول‌های اپی‌تلیالی می‌توان از آن به عنوان منبع جدید سلول‌های بنیادی با مصارف درمانی بهره برد. (معراج طباطبایی و دیگران، ۱۳۹۲ش، ص ۷-۱) استفاده از پانسمان بیولوژیکی آمینون در بیماران سوختگی و پیوند آن با محل برداشت پوست نه تنها عارضه‌ای نداشت؛ بلکه در کاهش درد و تسریع بهبودی بیمار تأثیرگذار بود. (اسکندری و دیگران، ۱۳۹۴ش، ص ۲۲)

همچنین در تحقیقی مشابه اما در سوختگی‌های درجه ۲ عمقی کودکان، عملکرد مثبت آمینون در کاهش درد و کاهش میزان عفونت باتوجه به خصوصیات آنتی میکروبیال به اثبات رسید. (عمرانی فرد و دیگران، ۱۳۹۰ش، ص ۴۵) در موارد نقص اپی‌تلیالی قرنیه که منجر به زخم و حتی سوراخ شدن قرنیه می‌شود از پیوند پرده آمینون استفاده و ثابت شد که درمانی مؤثر و بی‌عارضه‌ای است. (موحدان و نام‌آوری، ۱۳۸۰ش، ص ۲۸۴)

موارد پیش گفته؛ بخشی از مصارف پزشکی آمینون آن‌هم برای انسان بود و جالب است که از این غشا برای ترمیم سخت شامه سگ استفاده شد و نشان داد که این بافت، مناسب پیوند می‌باشد؛ زیرا عوارض کمی مانند: انتقال بیماری، ریسک عفونت، پس زدن و... دارد و یکی از بهترین گزینه‌ها و موارد برای پیوند سخت شامه به حساب می‌آید. (معین و دیگران، ۱۳۸۱ش، ص ۳۷۱) همچنین سایر پژوهش‌هایی که ارزشمندی و کارایی‌های آمینون را افزون بر کیسه نگهداری جنین، مورد مطالعه، آزمایش و به اثبات رسانده‌اند و جداسازی آن منجر به اضرار مادر یا جنین نمی‌گردد.

۴. بررسی فقهی شرایط انطباق مال بر پرده آمینون از دیدگاه فقهای فریقین

خوبی مال را به «المال یبذله بازائه شیء» می‌آورد؛ (توحیدی، ۱۳۷۹ش، ج ۵، ص ۷۹) اما برخی دیگر این گونه مال را معرفی می‌کنند «ما یبذل بازائه المال» (نائینی، ۱۳۷۳ش، ج ۱،

ص ۳۳۹؛ موسوی گلپایگانی، ۱۳۹۹ش، ص ۳۴۵؛ ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۹۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۳۷ و ج ۱۷، ص ۶) همان گونه که پیداست این تعریف دور دارد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۲) و معرفّ اجلی از معرفّ نیست. دیدگاه فقها در رابطه با مال، متفاوت است. بعضی در تعریف مال به اوصافی همچون قابلیت تملک و انتفاع توجه دارند؛ (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۰۶، ج ۳، ص ۹۵؛ محقق کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸ و ۹۰) اما مقدس اردبیلی به هر آنچه که دارای منفعت عقلایی حلال و لو خیلی ناچیز داشته باشد مال اطلاق می کند. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ص ۵۳)

در همین راستا شیخ اعظم، مال را به دو قسم عرفی و شرعی تقسیم می کند، بدین صورت که؛ مال از منظر عرف، دائرمدار منفعت می باشد ولو تأییدیه شرعی نداشته باشد؛ اما مال، از منظر شرع علاوه بر منفعت باید حلیت نیز داشته باشد؛ مثلاً خوک و شراب شرعاً و حشرات عرفاً مال نیستند. (انصاری، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۱۰) بعضی مال را شایسته دو ویژگی می دانند؛ اول: میل و رغبت مردم. دوم: رقابت برای بدست آوردن آن (حکیم، ۱۴۱۴ق، ص ۲۳۴) که این دیدگاه مبتنی بر عرضه و تقاضاست؛ همچنان که شهید صدر معتقد است گرایش و رغبت اجتماعی در ارزشمندی شیء و افزایش تقاضا و میزان مبادله آن اثرگذار بوده و به عبارت دیگر احتساب شیء، به عنوان مال به رغبت غیر بستگی دارد. (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۱۹۸)

به نظر می رسد؛ دیدگاه فقهای اهل سنت در رابطه با مال، تلفیقی از میل و طبع آدمی به آن شیء و قابلیت رفع نیاز از همه یا برخی از انسان ها باشد؛ اما آنچه که در تقویم شیء به عنوان مال مؤثر می باشد علاوه بر موارد پیش گفته، انتفاع شرعی، اباحه و به ملکیت درآمدن است؛ مثلاً یک دانه گندم ملکیت پذیر نیست و شراب و خوک به دلیل منع شرعی تقویم نمی شوند. (ابن نجیم مصری، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴) ابن عابدین قائل به عمومیت مال نسبت به ملک است. از منظر ایشان، آن چیزی که حفاظت آن مقدور بوده و لو اباحه شرعی نداشته باشد؛ مانند خوک، مال است؛ اما هر آنچه که علاوه بر صیانت، مباح شرعی نیز باشد، ملک و قابل تملک محسوب می شود؛ لذا شراب، مال است؛ اما ملکیت و ارزشمندی ندارد. (ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴)

نیز شاطبی به اعیان و منافع، مال اطلاق می کند؛ اما قائل به مال بودن مباحات

پیش از حیا زت نیست و شیء مملوک، مال است در صورتی که تأیید شارع را داشته باشد؛ لذا اموال مغصوبه و مسروقه از نظر شرع مال نیستند؛ (ضیائی و عزیزی، ۱۳۹۲ش، ص ۸) چنین برمی آید که، تأیید شارع بر احتساب مال بودن، تقدّم دارد؛ و اینکه هر شی، ابتدا باید ملک باشد، تا بعد مال به شمار آید؛ که این مسئله هم سو با دیدگاه امامیه و غالب اهل سنت نیست؛ همچنین شیخ مفید و شیخ طوسی نیز معتقدند، حصول دستیابی به شراب و بول حیوانات (به جز شتر) به دلیل حرمت شرعی جایز نیست؛ زیرا منفعتی برای آنها تصور نمی شود. (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۵۸۷ و طوسی، بی تا، ص ۳۶۳)

به نظر می رسد، مقصود شیخ انصاری از منفعت که همان سود مالی برای فروشنده، حامل و... است هم سو و در راستای آیه ۲۱۹ بقره باشد؛ که به چیزی مال اطلاق می شود که نفع و سودی را عاید فرد یا افرادی کند به طوری که این سود، حلال بوده و مجرای حکم حلیت قرار گیرد؛ اما از دیدگاه نگارندگان، مقصود از عقلایی را می توان به دو شکل تعبیر کرد؛ اول: اینکه منظور از عقلایی همان بنای عقلا و نوع آنان باشد؛ دوم: مقصود از عقلا را جمع معدودی دانست و به عرف خاص از آن یاد کرد؛ در همین راستا برخی برای مال قائل به حقیقت شرعیه نشده اند؛ (نراقی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۷۱) لذا اوصاف پرده آمیون، با مال بودن آن مطابقت دارد؛ زیرا برخوردار از منافع حلال عقلایی است که در درمان چشم و زخم دیابتی ها مورد استفاده قرار می گیرد (عظیمی الموتی و دیگران، ۱۳۹۷ش، ص ۱۲۷) و در نتیجه، آمیون مورد رغبت عموم مردم به ویژه بیماران و کادر درمان پزشکی است که در دستیابی به آن جهت انتفاع و رفع نیاز خود و یا شخص ثالثی با یکدیگر رقابت می کنند؛ چون منافع حاصل از پرده آمیون منع شرعی نداشته و غیر عقلایی نیست؛ بلکه به طریق اولی در راستای کمک به درمان و یا نجات جان انسان، ارزشمندی دارد و مال محسوب می شود. همچنین به دقت عقلی، عرفی و فقهی، مانعی در عدم مال بودن پرده آمیون متصور نیست؛ به بیان دیگر، مال و مصادیق آن موضوعاتی تأسیسی هستند و امضایی به حساب نمی آیند.

در نتیجه پرده آمیون برخوردار از منافع ذاتی و عرضی عقلایی و حلال برای

جنین و اشخاص ثالث است و احتساب آن به عنوان مال صحیح است. می‌توان گفت: مال از جمله موضوعات تکوینی است که شناخت مصادیق آن به عرف حتی عرف خاص واگذار شده است؛ زیرا گاهی چیزی در نگاه یا تفکر دیگران فاقد منفعت عقلایی است؛ درحالی که برای شخص یا اشخاصی دیگر دارای گونه‌ای منفعت است؛ همان‌طور که فقیه معاصر معتقد است؛ الزامی مبنی بر احتساب شیء به عنوان مال در تمامی عرف‌ها ملاک نیست؛ بلکه گاهی یک قوم برای شیء‌ای منزلتی قائل هستند که از دید سایرین بی‌ارزش است؛ مثلاً شیء‌ای برای شخص محتضر چنان اهمیتی دارد که حاضر است آن را به قیمت گزاف معامله نماید و این معامله خالی از اشکال است. (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۴) حتی صاحب جواهر منفعت عرفی و عقلایی را با توجه به زمان نیاز و قلت افراد خواهان آن شیء، مطمح نظر قرار می‌دهد؛ (نجفی، ۱۳۶۸ق، ج ۲۲، ص ۳۵)

بنابراین، مال می‌تواند برای شخص یا اشخاص معدودی نافع محسوب گردد؛ و نیز مقصود از عرف لزوماً عرف عام نیست؛ بلکه عرف خاص که ناظر به گروهی از مردم با حرف مختلف یا ساکن در مناطق و یا جوامعی خاص هستند را نیز به طریق اولی شامل می‌شود؛ لذا همان‌طور که تابلوهایی از نقاشان معروف و جهانی برای طیف هنرمندان نفع دارد؛ آمینون نیز برای پزشکان و کادر درمان به ویژه بیماران منافع بسیار و مطلوبیت دارد و از آنجایی که همه افراد بشر در انجام معامله از یک رویه پیروی می‌کنند؛ در نتیجه فعل آنان که همان مبادله شیء به ازای شیء‌ای است، عقلایی به حساب می‌آید و با ضابطه شیخ انصاری که قائل به منفعت محلله عقلایی است، نیز سازگاری دارد.

۵. بررسی حقوقی شرایط انطباق مال بر پرده آمینون از دیدگاه حقوقدانان

گرچه تعریفی از مال در قانون مدنی مشاهده نشد؛ اما حقوق‌دانان با بیان تعبیری به تعریف آن پرداخته‌اند که از تعاریف فقهی و لغوی مال دور نیست؛ مثلاً: هر چیزی که برای انسان سودمند بوده و استفاده از آن به شرط ملکیت و قابلیت تملک، ممکن باشد، مال است. (بروجردی عبده، ۱۳۸۰ش، ص ۱۱) مطابق تعریف، نور خورشید یا هوا با وجود منافع برای انسان و اینکه حتی جز ضروریات حیات برای انسان

است؛ اما چون قابلیت تملیک و تملک ندارند، مال به حساب نمی‌آید. برخی برای شناسایی و تعیین مال قیدهایی نظیر: ۱. تخصیص‌پذیر باشد ۲. سودمند باشد ۳. نفع عقلایی داشته باشد ۴. برخوردار از ارزش ذاتی باشد؛ مانند کار و کارگر و طلب منافع اما اوراق قرضه ارزش ذاتی ندارند ۵. قابلیت نقل و انتقال مستقل از مال را داشته باشد؛ پس سرقفلی چون نقل مستقل نمی‌شود، مال نیست؛ (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ش، ج ۴، ص ۳۱ - ۲۶) بعضی ملاک‌های این تعریف قابل مناقشه هستند؛ مثلاً شماره پنج که سرقفلی را به عنوان منفعت ملک که نوعی مال است، به شمار نمی‌آورد و جامع مصادیق مال نیست؛ زیرا مال، شیء است اعم از عین، منفعت و حق که به طریق اولی سکونت در خانه یا سرقفلی مغازه به عنوان مصادیقی از مال هستند؛ زیرا گذر زمان و تکامل زندگی و پیشرفت‌هایی که بشر به دست آورده است، قلمرو مصادیق مال را گسترش داده به طوری که در تعریف مال از شیء که اسم نکره مبهمی است، استفاده می‌شود و شناخت مصادیق آن به عرف واگذار شده است؛ مثلاً امروزه از زمین، مطالبات، سرقفلی، اختراع و حق تألیف با تعبیر مال یاد می‌شود؛ (کاتوزیان، ۱۳۸۷ش، ص ۱۴)

حتی در نگاهی کلان و با محور قرار دادن عرف عقلاییه و عدم منع شرعی و قانونی؛ امتیاز وام، کالاهای مجازی، رمز ارزها و... نیز مال هستند؛ (یوسفی، ۱۳۹۹ش، صص ۵۴ - ۵۲) بعضی گفتند: مال هر چیزی است که بتوان آن را مبادله کرد و در قبال فروش آن چیزی که مناسب با قیمت آن است به مالک داد؛ به شرطی که، هیچ یک از اعمال نقل و انتقال، حمل و نگهداری آن منع شرعی و قانونی نداشته باشد. (امامی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷ش، صص ۱۲ - ۱۱؛ ۱۴؛ صفایی، ۱۳۸۰ش، صص ۱۳۶ - ۱۲۳) و یا گفته‌اند: مال چیزی است که علاوه بر مبادله از نظر اقتصادی نیز دارای ارزش دادوستد باشد. (رسایی نیا، ۱۳۷۶ش، ص ۱۴۶؛ شهیدی، ۱۳۸۰ش، ص ۴۹)

مطابق آنچه گفته شد؛ عرف خاص برای آموین ارزش اقتصادی یا منفعت مالی و مهم‌تر، منفعت حیاتی قائل است بعلاوه، آموین قابل نقل و انتقال، تملیک و تملک بوده و عقلاً نیز مبادله آن را تایید می‌کنند؛ زیرا گسترش اجتماعات بشری و نیاز جامعه پزشکی از طریق پیوند عضو یا پانسمان زخم بیماران دیابتی یا چشمی که

مطابق آیه ۳۲ مائده نمونه‌ای از احیای همگانی است، منافع بسیاری دارد؛ لذا آمیون به لحاظ حقوقی مال به شمار می‌آید؛ زیرا جهت مبادله و استعمال آن، منع شرعی و یا نقض قانونی به ذهن متبادر نمی‌شود.

۶. مالیت پرده آمیون از منظر فقهی و حقوقی

قیمت، ارزش و بها، مالیت نام دارد (دهخدا، ۱۳۸۵ش ذیل واژه) برخی مالیت را به معنای تقویم به پول، ارزش دادوستد داشتن و قابل مبادله بودن می‌دانند. (طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۷۸) نائینی، مالیت را منوط به چهار ویژگی می‌داند؛ اول: شیء برخوردار از منفعت یا خاصیت باشد. دوم: مالیت عرفی هم‌سو با مالیت شرعی باشد؛ یعنی عنوان مال از دیدگاه عرف، منهی شارع قرار نگیرد. سوم: آن شیء فراوان و بی‌ارزش نباشد؛ زیرا فراوانی و یا کم ارزش بودن شیء، منجر به عدم رغبت عقلا به پرداخت پول می‌شود. چهارم: نگهداری شیء به جهت منفعت یا خاصیت به صورت دائمی یا در بعضی مواقع مورد نیاز باشد؛ اما اگر هرازگاهی مورد نیاز است، مال به شمار نمی‌آید. (نائینی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۳۳۹)

در همین راستا شیخ انصاری، ملاک مالیت را در منفعت محلله عقلایی قلمداد می‌کند. (انصاری، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۱۰) شیخ، مالیت شیء را به اعتبار منافع محلله مقصوده دانسته بدین صورت که تمامی فواید در مالیت مدنظر نیست. بعلاوه منافع حرام نیز معتبر نیستند. (انصاری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۶۹) خویی می‌نویسد: مالیت در رغبت عقلایی مردم است. (توحیدی ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۳۲ و ج ۵، ص ۷۹) دیدگاه جمعی چنین است: بعضی اشیا مالیت حقیقی یعنی ذاتی تکوینی و واقعی دارند؛ مثل طلا و نقره؛ اما اشیایی نیز هستند که ارزش اعتباری و جعلی دارند؛ مثل اسکناس. (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱؛ حسینی روحانی، ۱۳۷۶ش، ص ۹۳، صص ۱۲۴-۱۲۳)

بنابراین، تقسیم مالیت به ذاتی و مبادله‌ای صحیح می‌نماید؛ (یزدی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۹۶) که برای برخی منفعت ملاک اصلی در معتبر دانستن مالیت شیء بوده؛ خواه کم یا بی‌مقدار یا فراوان بوده و یا از نظر شرع، مال نباشد؛ (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۵۹ و ج ۲، ص ۳۴۳ و بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۰ و دیگران)، میل نوع انسان را در کنار نیازمندی مبرم اجتماع، شرط مالیت می‌دانند؛ (خوانساری، ۱۴۲۱ق، ص ۳۳۹؛ طباطبایی، ۱۶۷۷)

یزدی، ۱۴۲۳ق، ص ۵ و ص ۵۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ص ۶ و ج ۲۱، ص ۲۳۷) بعضی بر این اعتقادند که مالیت، اعتباری عقلایی در شیء است، که بر حسب خصوصیت موجود در شیء و یا به جهت کمیاب بودن شیء، مورد رقابت و تقاضا قرار گیرد. (حکیم، ۱۳۷۹ ش، ص ۳۲۵؛ محقق اصفهانی ۱۳۷۶ش، ص ۳؛ خویی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۲۴)

ارزش به ارزش استعمالی که کارکرد مصرفی دارد و ارزش مبادله‌ای که دائرمداررغبت شخص به پرداخت عوض مالی یا خدمتی است؛ تقسیم می‌شود. (یوسفی، ۱۳۹۹ش، ص ۴۱) به نظر می‌رسد که از لحاظ اقتصادی و عقل معاش، ملاک مالیت مورد نظر و مقصود خریدار، ارزش مبادله‌ای است؛ خواه بالقوه و خواه بالفعل باشد اعم از اینکه جهت رفع نیاز و یا لذت و تفریح باشد؛ اما شیخ به منفعت حالیه نظر دارد، در حالی که آنچه از لفظ منفعت به ذهن متبادر می‌گردد، چشم‌اندازی دورتر از بالفعل بودن را می‌رساند که متأخر از مال است؛ مثل غالب اشیاء که منافع بعد از گذشت مدتی عاید می‌شود.

بعلاوه؛ غرض و غایت سیاسی، اهرمی جهت ایجاد و یا از بین بردن رغبت و میل افراد در خرید، حفظ و فروش شیء به حساب می‌آید؛ زیرا مالیت و ارزش، نه ذاتی شیء است و نه اعتباری؛ بدین معنا که مالیت شیء فی نفسه و قطع نظر از اثرگذاری انسان نیست؛ همچنین صرفاً قراردادی و بی‌ارتباط با حالت واقعی شیء نیز نمی‌تواند باشد؛ بلکه مالیت هم با حالت ذاتی و فی نفسه شیء - حالت تکوینی شامل: جنس و ماهیت - و هم با صفت عرضی یا عارضی آن مرتبط می‌شود؛ بدین ترتیب که تأثیر انسان بر حالت ذاتی یا صفت عرضی یا عارضی شیء غالب است و منشأ انتزاع (منفعت) می‌گردد. (مطهری، ۱۳۸۹ش، ص ۱۱۷؛ امام خمینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۶۴؛ صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۱۹۸)

بدین ترتیب پرده آمیون برخوردار از شرایط مالیت است؛ زیرا علاوه بر ارزش مبادله‌ای که به صورت خام داد و ستد می‌شود، مصارف متعدد و متنوع پزشکی به ویژه برای نجات جان بیماران و یا ترمیم زخم و... دارد که مرتبط با ارزش استعمالی هستند لذا ارزش استعمالی آن به مراتب پررنگ‌تر است؛ از همین رو پرده آمیون منفعت عقلایی دارد و در خصوص حلّیت آن دلیلی بر حرمت استفاده این پرده که

جزء موضوعات مستحدثه می باشد، متصور نیست؛ زیرا شارع مقدس غالباً حرمت را در مشروبات و ماکولات قرار داده که منجر به مضراتی به جسم یا زوال عقل می گردد؛ در حالی که اولاً: در نصوص دینی، قرائن یا اماراتی دال بر حرمت استعمال این پرده یافت نشد. ثانیاً: حتی با فرض حرمت از باب نجات یا حفظ نفس انسان ذیل احکام ثانویه و از حیث ضرورت و اضطرار در چرخش احکام و حکمت الهی، حرمت کم رنگ می شود. ثالثاً: اصالة الاباحه استفاده از پرده آمینون را تایید می کند؛ بلکه استعمال آن را در جهت حفظ و نجات جان افراد و انسان ها به ضرورتی مؤکد نزدیک می نماید؛

به دیگر سخن، پرده آمینون شرایط مالیت را از هر حیث داراست و قابلیت تقویم داشته و منافع عقلایی دارد که بسیاری از افراد برای رفع نیازهای ثانوی خود مثل دارو (حکیم، بی تا، ص ۳۲۵) با یکدیگر رقابت می کنند.

دیدگاه برخی فقهای اهل سنت گویای اولویت مالیت شرعی بر مالیت عرفی است. (ابن نجیم مصری، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۱۱۳؛ ابن عابدین، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۶۷؛ صنعانی، ۱۳۷۹ش، ج ۳، ص ۵؛ ابن حزم، بی تا، ج ۹، ص ۸) در حالی که مال بودن و مالیت داشتن، اعتبار عقلایی دارد؛ زیرا معیار منفعت برای مالیت داشتن یک شیء، طرف معامله است؛ همچنان که ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی، ارزش عرفی مشروبات الکلی را - علی رغم عدم احتساب شرعی به عنوان مال - می پذیرد.

مواد قانونی نیز به تبعیت از فقه، مالیت را در مورد معامله شرط دانسته اند و از جهت حقوقی نیز در مواد ۲۱۵ و ۳۴۸ قانون مدنی، مالیت مورد معامله در کنار داشتن منفعت عقلایی آمده است که می تواند اماره ای بر عدم انطباق مالیت و منفعت باشد بدین صورت که مالیت ناظر به ارزش مبادله ای و منفعت به ارزش استعمالی توجه دارد؛ اما از منظر فقهی، منفعت مجزای از مالیت به شمار نمی آید؛ بلکه در صورت منفعت داشتن، شیء مالیت می یابد. دیدگاه پژوهشگران حاضر نیز با بعد حقوقی هم سویی بیشتری دارد.

۷. مالکیت والدین بر پرده آمینون از منظر فقه و حقوق

فقهها رابطه اعتباری میان مالک و مملوک با قابلیت انشا را، ملکیت دانسته اند که حاصل آن مملوکیت است که شیء از شئون و توابع و ملحقات مالک به شمار

می‌آید (حکیم، بی‌تا، ص ۴۳۸) و نیز برخی دیگر اعتبار را مقید به عقلایی بودن کرده‌اند به طوری که این رابطه را مبدا تسلط و یا تسلط را منشأ اعتبار مالک و ملک تلقی می‌کند. (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۴) گویا میان مالک و مملوک رابطه ملازمه‌ای وجود دارد که ترتیب در آن اهمیتی ندارد؛ بلکه هر دو بر یکدیگر ترتب دارند و به نظر می‌رسد تعریف مشکینی و نائینی از ملکیت به مقوله جده که معنای دربرداشتن چیزی برای چیز دیگر است، ناظر به این مدعاست (مشکینی اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۱۴؛ نائینی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۸۵).

امام خمینی معتقد است ملکیت، اعتباری عقلایی است که یکی از احکام و نمودهای آن سلطنت و قدرت بر تغییر و تحوّل در مال می‌باشد؛ (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۴) بنابراین اعتبار است که مالک، مجاز به تصرف ماهوی و شکلی در مال می‌شود؛ در حالی که حق اختصاص نسبت به شیء تنها برخی تصرفات را برای دارنده حق، مجاز و مشروع می‌سازد و به دیگران اجازه مداخله و مزاحمت نمی‌دهد؛ (گروهی از نویسندگان، ۱۴۲۳ق، ج ۷، صص ۲۹۲) زیرا شخص، مالک شیء نیست.

صورت دیگر حق اختصاص، مالیت نداشتن شیء است به عبارت دیگر؛ هرگاه شخص معینی شیء یا اشیایی که مالیت ندارند را در اختیار داشته باشد، از حق اختصاص برخوردار بوده و کسی نمی‌تواند اشیاء را از او بگیرد؛ مانند شراب و خوک (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۰۳) حق اختصاص برای دارنده، خود نوعی اولویت در اعمال برخی افعال ایجاد می‌کند و جلوی آزار و اذیت دیگران شامل کنار زدن و تصرف در متعلق حق بدون رضایت و اجازه او را می‌گیرد و حرمت را بر فعل او بار می‌کند. (لاری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۸۳)

لذا با توجه به مطالب پیش گفته و در سنجش پرده آمیون که به ملکیت درمی‌آید یا باید نسبت به آن قائل به حق اختصاص شد؛ آمیون شرایط مالیت را داراست و منع شرعی و عرفی ندارد به علاوه اینکه حق اختصاص از مراتب پیش‌تر ملکیت می‌باشد؛ زیرا افراد نسبت به اشیاء ابتدا حق اختصاص می‌یابند و بعد به ملکیت آنان در می‌آید و حتی می‌توان گفت گرچه دایره تصرفات مالک در شیء گسترده‌تر و به لحاظ تعداد، بیشتر است؛ اما حق اختصاص از دوام بیشتری برخوردار است ضمن اینکه

بعضی فقها در تعریف حق اختصاص قائل به مالیت شرعی هستند و شراب و خوک را فاقد مالیت شرعی دانسته‌اند (انصاری، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۱۰) لکن آنچه ملاک مالیت می‌باشد، مالیت عرفی است و ماده ۷۰۲ ق. مجازات اسلامی مؤید این مسئله است.

تعریفی از حق مالکیت در قانون مدنی مشاهده نشد؛ اما برخی مالکیت را حقی می‌دانند که به موجب آن می‌توانند تصرف در مال را به خود اختصاص داده و از کلیه منافع آن بهره‌مند شوند (حسینی روحانی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۲۴ - ۱۲۳ و ص ۹۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷ش، ص ۱۰۸ - ۱۰۷ و ۱۱۰) بعد از سنجه میان مالکیت و حق اختصاص نسبت به پرده آمنیون آنچه که غلبه ذهنی و منطقی مستدل و - بر پایه مطالب پیش‌گفته - مستند دارد؛ این است که اولاً: آمنیون مال است و ثانیاً: برخوردار از ارزش مبادله‌ای یا ارزش استعمالی و یا هر دو را داراست و شرایط مالیت دارد. در نتیجه نسبت به آن ملکیت صدق می‌کند؛ زیرا آمنیون علی‌رغم فضولات انسانی بودن اما قابلیت تملیک و تملک دارد که با سلامت جسمی انسان و غیر انسان مرتبط می‌گردد و به مالک یا مالکین خود امکان هرگونه انتفاع و نیز انتقال و تصرفات را می‌دهد؛

بدین ترتیب آمنیون علاوه بر مالیت، ملک هم هست و به ملکیت در می‌آید و لاجرم نیازمند تعیین مالک است و مانعی از انطباق ملکیت با پرده آمنیون دیده نمی‌شود لذا می‌بایست مالک آمنیون تعیین گردد که چه کس و یا کسانی مالک آن می‌باشند؟ این فرضیات عبارت‌اند از:

۱. مالکیت پدر: اولین فرضیه‌ای که از جهت مالکیت بر پرده آمنیون مطرح می‌شود، مالک بودن پدر است. خداوند در آیه ۲۳۳ سوره بقره در کنار تکلیف شیر دادن مادران به نوزادان خود، وظیفه تأمین روزی و البسه اولاد را به پدران محول می‌کند؛ زیرا مولود را از او (پدر) می‌دانند به عبارت دیگر پدران در مهیا و فراهم‌سازی وسایل آسایش، تکلیف شرعی و قانونی داشته و نفقه مولود بر دوش آنهاست در حالی که مادران، نسبت به شیردادن کودک خود نه تنها وظیفه ندارند؛ بلکه در قبال انجام این فعل می‌توانند اجرت دریافت کنند. (طلاق: ۶)

در آیاتی خلقت از نطفه آغاز می‌شود (فاطر: ۱۱، غافر: ۶۷، نجم: ۴۶ و...) برخی فقها اسپرم را همان نطفه تلقی نموده‌اند به ویژه آنکه خداوند در آیه ۳۷ سوره قیامت به

صراحت منشأ تشکیل نطفه را مایع منی مرد اعلام می‌کند و رحم زن ظرف رشد جنین است؛ زیرا نطفه شکل گرفته حاصل اسپرم مرد بوده و رحم زنان مطابق آیه «إِنَّ أُمَّهَاتَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ» (مجادله: ۲) تنها ظرف نگهداری رویان در به دنیا آوردن طفل است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۶)

افزون بر این‌ها قاعده فقهی «الزرع للزارع» که از قواعد ناظر به اموال است با مالیت آمنیون از یک سو و با مالکیت صاحب زرع (پدر) مطابقت دارد و جالب است ماده ۳۳ قانون مدنی نیز هرگونه نما از اصله یا حبه را از آن صاحب اصله یا حبه می‌داند. نکته دیگر اینکه «لام» موجود در ابتدای «للزارع» می‌تواند لام اختصاص و یا ملکیت باشد در هر حال «زرع» خواه مختص زارع یا خواه ملک زارع باشد، زارع محق و یا مالک کشت خواهد بود و نیز قاعده «النماء تابع للملك» و روایت «انت و مالک لایبک» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۳۵) هنگامی که وجود فرزند از آن پدر است پس به طریق اولی فضول یا پسماند حاصل از هستی طفل نیز تحت ملکیت پدر قرار می‌گیرد؛ همچنان که شیر زن که مصداقی از ترشحات وجودی اوست از آن صاحب لبن می‌باشد به طوری که شیر زن شیرده نتیجه نزدیکی با آن زن است، بنابراین آمنیون جزء ملکیت پدر می‌باشد.

۲. مالکیت مادر: با توجه به مطالب پیش گفته، مادر نقش اساسی در تکوین طفل ندارد و تنها به عنوان محلی جهت پیمایش مراحل رشدی جنین تا رسیدن به مرحله نهایی و تبدیل شدن به طفل و خروج از شکم مادر دارد؛ زیرا طبق بررسی‌های انجام شده در نصوص دینی و قواعد فقهی برای مادر جایگاهی برای حیات بخشیدن به جنین دیده نشده است و مادر صرفاً «قرار مکین» برای ادامه حیات نباتی و رسانیدن رویان به مرحله آخر می‌باشد؛ لذا مالکیت مادر نسبت به آمنیون با توجه به سلطه زوج و برخورداری از استطاعت جسمی، مالی و... بعید به نظر می‌رسد؛ مگر در موارد استثنایی که زن بدون دخالت مرد باردار شود که این فرض فعلاً مورد نظر پژوهش حاضر نیست که البته رأی به مالکیت تام زن نسبت به آمنیون منطقی و صحیح می‌نماید.

۳. مالکیت والدین: یکی دیگر از فروضی که در باب مالکیت پرده آمنیون قابل

تأمل است، مالکیت پدر و مادر است؛

اولاً: پیش‌تر مطرح شد که فقها به استناد بعضی آیات از جمله آیه ۱۱ سوره فاطر تشکیل نطفه را فقط به سلول جنسی مرد مختص نمودند؛ اما پیشرفت‌های پزشکی و شناخت تخمک به عنوان سلول جنسی زن این تئوری و معادله را بر هم زد و تکوین نطفه را به هر دو نسبت داد. (کراچیان ثانی، ۱۳۹۸، ص ۱۸)

ثانیاً؛ جفت از دو بخش جنینی و مادری تشکیل می‌شود و آمیون از پرده‌های جنینی است که از این پرده‌ها - با نام زیگوت که حاصل لقاح گامت نر و گامت ماده (عرفانیان احمدپور، ۱۳۸۱، ص ۶۵؛ سادلر، ۱۳۹۸، ص ۱۷۸) و نام قرآنی نطفه یاد می‌شود. (کراچیان ثانی، ۱۳۹۸، ص ۱۸) تنها در آیه ۳۷ سوره قیامت بعد از لفظ «نطفه» عبارت «مِنْ مَتًی یُمْنًی» آمده است و در حدود یازده آیه دیگر از مجموع دوازده آیه به ذکر نطفه بسنده شده است که این مسئله می‌تواند مبنای شکل‌گیری نطفه را تبیین نماید؛ اما به معنای نادیده انگاشتن عنصری دیگر به نام اووسیت یا گامت ماده نیست؛ همچنان که در آیه دوم سوره انسان خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ اَمْشَاجٍ﴾ که بیانگر امتزاج دو سلول و تشکیل انسان، مرکب از اسپرم و تخمک است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۱۵؛ طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱۵، ص ۲۱۵)

درست است که سلول جنسی مرد، نقش اساسی و بنیادی در شکل‌گیری نطفه دارد؛ اما رحم زن به عنوان قرارگاهی امن، مشقات حمل جنین در رحم و وضع آن را متحمل می‌شود؛ زیرا خداوند ساختار وجودی زن را به گونه‌ای طراحی نموده که کالبد مرد نمی‌تواند عهده‌دار این مأموریت و مسئولیت شود؛ بنابراین به استناد آیات و همچنین اصل شرکت که بر مشارکت زن و مرد در لقاح دلالت می‌کنند و نیز عدالت در انتفاع از مالیت آمیون، شایسته است ملکیت را مشترکاً برای پدر و مادر قائل شد.

نتیجه‌گیری

پرده آمیون در علم جنین‌شناسی لایه محافظتی رویان است و در هنگام زایمان پاره شده و مایع آمنیوتیک آزاد می‌شود و نوزاد متولد می‌شود. خداوند در آیه ششم سوره زمر از تاریکی‌های سه‌گانه یاد می‌کند که یکی از آنها «مشیمه» است که مطابق دیدگاه برخی مفسران به پرده آمیون اشاره دارد. این پرده بعد از فراوری، در

مصارف پزشکی اعم از انسانی و حیوانی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما مالیت یافتن آمیون منوط به منفعت محلله عقلایی است. گرچه شیخ انصاری، ملاک در مالیت را شرعی می‌داند و برای شراب و خوک مالیتی قائل نمی‌باشد؛ اما مالیت معنای ارزش می‌دهد که به دو قسم مبادله‌ای و استعمالی تقسیم می‌شود و به نظر می‌رسد منظور ایشان از مالیت، ارزش مبادله‌ای بوده است؛ زیرا با پیشرفت‌های متنوع علمی، انسان می‌تواند از اموال غیرشرعی، منافع شرعی تولید کند؛

لذا پرده آمیون دو نوع ارزش را داراست و قابلیت تقویم، تملیک و تملک دارد؛ بنابراین آمیون نه تنها مال است؛ بلکه مالیت و ملکیت نیز دارد؛ زیرا مال از موضوعات تکوینی است که شارع مقدس آن را احصا نکرده و دخل و تصرفی در تعداد آن نداشته است؛ بلکه مال را با عنوان زینت آورده است. (کشف: ۴۶) آمیون هم مال است و هم ملک؛ لذا به ملکیت در می‌آید و پدر و مادر، هر دو در مالکیت آن اشتراک دارند؛ زیرا منشأ آمیون از زیگوت است که حاصل لقاح دو سلول جنسی نر و ماده است و آیه ۲ سوره انسان از نطفه امشاج یاد می‌کند که نتیجه امتزاج گامت نر و ماده است؛ بنابراین مالیت مبنای ملکیت است و چون آمیون مالیت دارد، در نتیجه به ملکیت در می‌آید. در غیر این صورت، در صورت نداشتن مالیت، فقط داشتن حق اختصاص که بیانگر نوعی اولویت است، صدق می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
 ۲. ابن حزم، علی بن احمد (بی تا). المحلی بالآثار. بیروت: دارالفکر.
 ۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. (تحقیق محمد حسین شمس الدین)، بیروت: دارالکتب العلمیه. منشورات محمد علی بیضون.
 ۴. ابن منظور، محمد مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، چاپ سوم. بیروت: دار الفکر الطباعة والنشر.
 ۵. ابن عابدین، محمد امین (۱۴۱۵ق). رد المحتار علی الدر المختار. بیروت: دار الفکر.
 ۶. ابن نجیم مصری، زین الدین (۱۴۱۸ق). البحر الرائق شرح کنز الدقائق. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۷. ایروانی، علی بن الحسین (۱۴۰۶ق). حاشیه المکاسب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۸. اصفهانی (کمپانی)، محمدحسین. (۱۳۷۶). حاشیه کتاب المکاسب. قم: انوارالهدی.
 ۹. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان. قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۱۰. آلوسی، شهاب الدین (بی تا). تفسیر روح المعانی. بیروت: مکتبه العلم.
 ۱۱. امامی، حسن (۱۳۶۳ و ۱۳۷۰)، دوره حقوق مدنی. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
 ۱۲. انصاری، مرتضی (۱۴۲۴ و ۱۳۷۴). المکاسب. قم: مجمع الفکر الاسلامی و اسماعیلیان.
 ۱۳. بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۰ش). حقوق مدنی. چاپ اول. تهران: گنج دانش.
 ۱۴. بجنوردی، میرزا حسن (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه. نجف: مکتبه الصدر.
 ۱۵. توحیدی، محمدعلی (۱۳۷۹ش)، مصباح الفقاهه. تقریرات درس آیت الله خویی. قم: وجدانی.
 ۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح. بیروت: دارالملايين.
 ۱۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸ش). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
 ۱۸. حکیم، سید محسن (۱۳۷۹ش). نهج الفقاهه. قم: فقه.
 ۱۹. حسینی روحانی، محمدصادق (۱۳۷۶ش). المسائل المستحدثه. تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی راهیان.
 ۲۰. حاج احمد، یوسف (۱۴۲۴ق). موسوعه الاعجاز العلمی فی القرآن و السنه. چاپ دوم. دمشق: مکتبه ابن حجر.

۲۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق). *مختلف الشیعه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۲. خویی، السید ابوالقاسم (۱۳۷۱ش). *مصباح الفقاهه*. چاپ سوم. قم: وجدانی.
۲۳. خوانساری، موسی (۱۴۲۱ق). *منیه الطالب فی شرح المکاسب*. قم: دارالفکر.
۲۴. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۶۳ش). *کتاب البیع*. قم: اسماعیلیان.
۲۵. خمینی روح الله موسوی (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۶. دهنخدا، علی اکبر (۱۳۵۸ش). *لغت نامه دهنخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. دورلند، ویلیام (۱۳۸۰ش). *فرهنگ پزشکی دورلند*. ترجمه محمد هوشمند ویژه. تهران: توتیا.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. لبنان: دار العلم.
۲۹. رسایی نیا، ناصر (۱۳۷۶ش). *اشخاص اموال مالکیت*. تهران: آوای نور.
۳۰. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف من حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی.
۳۱. زحیلی وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸ق). *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*. بیروت: دارالفکر المعاصر.
۳۲. سمرقندی نصر بن محمد (بی تا). *بحر العلوم*. بی جا. بی نا.
۳۳. سبزواری سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ق). *مهذب الاحکام*. قم: مؤسسه المنار.
۳۴. سادلر، توماس، دبلیو (۱۳۹۸). *جنین شناسی پزشکی لانگمن*. (ترجمه غلامرضا حسن زاده و مرتضی غلامی نژاد و مهداد عبدی)، تهران: ارجمند. ویرایش ۱۴.
۳۵. شهیدی، مهدی (۱۳۸۰ش). *حقوق مدنی ۳ تعهدات*. تهران: مجد.
۳۶. شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۴۲۲ق). *الموافقات*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۷. شاذلی، قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲ق)، *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشرق.
۳۸. صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۸ق). *اقتصادنا*. بیروت: مجمع شهید صدر.
۳۹. صفایی، حسین (۱۳۸۰ش). *حقوق مدنی اشخاص و اموال*. تهران: میزان.
۴۰. صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. چاپ اول. بیروت: عالم الکتاب.
۴۱. صنعانی، محمد بن اسماعیل (۱۳۷۹ش). *سبل السلام شرح بلوغ المرام من جمیع ادله الاحکام*. حلب: مصطفی الباب و اولاده.
۴۲. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین*. (تحقیق احمد حسینی)، تهران: مرتضوی.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت: دار الاندلس.
۴۴. _____ (بی تا). *تفسیر البیان*، بی جا.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۱ق). *تفسیر جوامع الجامع*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی الجماعة المدرسین.
۴۶. _____ (۱۴۱۵ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۴۷. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴ش). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه دفتر نشر اسلامی.

۴۸. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*. لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۴۹. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸ق). *حقوق مدنی*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۵۰. طباطبائی یزدی، محمدکاظم (۱۴۲۳ق). *حاشیه المکاسب*. بیروت: دار المصطفی لاهیات التراث.
۵۱. طنطاوی، سید محمد (۱۹۹۷م). *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*. مصر: نهضة مصر.
۵۲. عرفانیان احمدپور، محمود (۱۳۸۱ش). *مبانی رویان شناسی*. مشهد: جهاد دانشگاهی.
۵۳. العسکری، ابوهلال الحسن (بی تا). *الفروق اللغویه*. قاهره: دار العلم.
۵۴. فراهیدی، خلیل (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.
۵۵. قرطبی، شمس الدین (۱۹۶۴م - ۱۳۸۴ش). *تفسیر القرطبی*. قاهره: دارالکتب المصریه.
۵۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶ش). *اموال و مالکیت*. تهران: سهامی انتشار.
۵۷. کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۸ق). *جامع المقاصد*. قم: مؤسسه آل البيت.
۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. قم: دارالکتب الاسلام.
۵۹. گروهی از نویسندگان زیر نظر شاهرودی (۱۴۲۳ق). *فقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت*. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت.
۶۰. لاری، عبدالحسین (۱۴۱۸ق). *التعلیقہ علی المکاسب*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۶۱. مشکینی اردبیلی، علی (بی تا). *مصطلحات الفقه*. قم: الهادی.
۶۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *نظری بر نظام اقتصادی اسلام*. تهران: صدرا.
۶۳. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق). *المقنعه*. قم: دفتر نشر اسلامي.
۶۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۵. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز الكتاب.
۶۶. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۳۹۹ش). *بلغه الطالب فی التعلیق علی بیع المکاسب*. قم: خیام.
۶۷. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق). *قواعد فقه*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامي.
۶۸. مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۹. نائینی، محمدحسین (۱۳۷۳). *منیه الطالب فی حاشیه المکاسب*. تهران: المکتبه المحمديه.
۷۰. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۸ش). *جواهر الکلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۱. نراقی، ملااحمد (۱۴۰۵ق). *مستند الشیعه*. قم: کتابخانه نجفی.
۷۲. واسطی زبیدی، سید محمد (۱۴۱۴ق). *تاج العروس*. لبنان: دارالفکر.
۷۳. هانری، فردریک (۱۳۳۲ش). *اصول فیزیولوژی عمومی*. (مترجم عبدالله شبیانی)، تهران: دانشگاه تهران.

مقالات:

۱. اسکندرلو، مهدی و عظیمی، مینا، ربیعی، صغری، قربان پور، منوچهر (۱۳۹۴). بررسی کارایی غشا آمینون به عنوان پانسمان بیولوژیکی در بهبود محل برداشت پیوند در بیماران

- سوختگی. جراحی/ایران، ۲۳ (۱)، ۲۵ - ۱۶.
۲. برادران رفیعی، علیرضا و حسنی، حمیدرضا، اصلانی، مهدی، کریمیان، فرید، جبارپور بنیادی، محمدحسین، شمس الدینی مطلق، رقیه (زمستان ۱۳۹۲). بررسی نقش درمانی پیوند پرده آمنیون در سوختگی‌های شدید شیمیایی چشم. چشم پزشکی بینا، ۱۹ (۲)، ۸۵ - ۷۹.
۳. رجائی، فاطمه و محقق داماد. سید مصطفی. (بهار و تابستان ۱۳۹۵). بررسی فقهی حقوقی مالیت اعضای بدن انسان. فصلنامه فقه پزشکی. ۸ (۲۷ و ۲۶)، ۱۷۳ - ۱۳۷.
۴. رستگار لاری، عبدالعزیز، سلطان دلال، محمد مهدی، کلافی، زهره، حسینی، سید کاظم، حیدرزاده، سیامک و رحیمی فروشانی، عباس، بختیاری، روناک (۱۳۹۱ زمستان)، بررسی خاصیت آنتی باکتریال غشای آمیوتیک انسان در شرایط آزمایشگاهی. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره ۱۷، ۳۷ - ۳۰.
۵. زارع، سونا و احمدی، رحیم و محمدنیا، عبدالرضا و نیل فروش زاده، محمدعلی و محمودی، مینو (۱۳۹۹). بررسی کارایی جداسازی و کشت سلول‌های بنیادی مزانشیمی پرده آمنیون انسان در محیط کشت سلولی. (دانشور پزشکی)، ۲۸ (۶)، ۱۱ - ۱.
۶. زارع، محمدعلی، نیکنام، ساسان، فرجی اسکویی، سید جعفر (۱۳۸۲). استفاده از پیوند پرده آمنیون در بازسازی سطح چشم. چشم پزشکی/ایران، ۱۶ (۱)، ۱۱۸ - ۱۱۵.
۷. ضیایی، محمد عادل، حسامی، محمدعزیز (پاییز و زمستان ۱۳۹۲) مالیت منافع و اختلافات مترتب بر آن در مذاهب اهل سنت. فقه مقارن، ۱ (۲)، ۳۰ - ۵.
۸. ضیاییان، بیژن و رودباری، مسعود (۱۳۸۳ ش). طب داخلی روز (افق دانش). ۱۰ (۳)، ۱۹ - ۱۵.
۹. عظیمی الموتی، محمد، شایان اصل، نیلوفر، مؤمنی، مریم، نوری، معصومه، کوه‌کن، اعظم، حاجی زاده، انسیه، سلطانعلی زاده، فاطمه، محمودی، سید ملیحه، جمشیدی ماکیان، مهین، ابراهیمی، مرضیه (بهمن و اسفند ۱۳۹۷). بررسی ایمنی عصاره پرده آمنیون در بهبود زخم‌های پای دیابتی (مطالعه کارآزمایی بالینی فاز ۱). دیابت و متابولیسم/ایران. ۱۸ (۳)، ۱۳۴ - ۱۲۶.
۱۰. عمرانی فرد، محمود، انصاری، امیرمهدی، جاذبی، نوشین، روزبهانی، رضا، اکبری، مجتبی (فروردین ۱۳۹۰)، مقایسه نتایج درمانی استفاده غشای آمنیون و گرافت پوستی در درمان سوختگی‌های درجه ۲ عمقی کودکان. دانشکده پزشکی/اصفهان، ۲۹ (۱۲۶)، ۴۸ - ۴۱.
۱۱. کراچیان ثانی، فاطمه، صدری، سید محمد، باقری، احمد، امیرپور، حیدر، جمشیدی راد، محمدصادق (پاییز و زمستان ۱۳۹۸). جایگاه حق تصرف والدین بر جنین: حق اختصاص یا مالکیت؟ مجله فقه پزشکی، ۱۱ (۴۱ و ۴۰)، ۲۰ - ۷.
۱۲. معراج طباطبایی، امیرحسین زرنانی، نیکو، شهره، کشاورزی، بهاره، رضائی تهرانی، فهیمه، عارفی، سهیلا، امیرزادگان، ابراهیم، مصفا، نریمان (بهار ۱۳۹۲). جداسازی و ایمنونوتایپینگ سلول‌های اپی تلایالی پرده آمنیون. پژوهش در پزشکی. ۳۷ (۱)، ۷ - ۱.

۱۳. معین، هوشنگ، ظهراپی، مجید، ظهراپی، مرتضی (۱۳۸۱). کاربرد پرده آمینوتیک جفت انسان برای ترمیم سخت شامه سگ. *مجله دانشکده پزشکی*، ۶ (۵)، ۳۷۷ - ۳۷۱.
۱۴. موحدان، حسین، نام‌آوری، شبنم (۱۳۸۰ش). پیوند پرده آمینون در نقص اپی‌تلیالی مقاوم قرنیه. *چشم‌پزشکی بینا*، ۶ (۳)، پی‌درپی ۲۳، ۲۸۹ - ۲۸۴.
۱۵. یوسفی، احمدعلی (پاییز ۱۳۹۹). ضابطه مال بودن در مباحث فقهی. *فصلنامه علمی/اقتصاد اسلامی*، ۲۰ (۷۹)، ۳۷ - ۶۴.
۱۶. Sean V. Murphy, Aleksander Skardal, Lujie Song, Khiry Sutton, Rebecca Haug, David L. Mack, John Jackson, Shay Soker, Anthony Atala, (November 2017) , Solubilized Amnion Membrane Hyaluronic Acid Hydrogel Accelerates Full-Thickness Wound Healing, Stem Cells Translational Medicine, Volume 6, Issue 11, Pages 2020–2032.



